

زمینه اقدامات عمرانی و رفاهی مختلفی همچون برق رسانی، احداث مسکن و حمل و نقل نیز فعالیت می‌نمایند و موفقیت خوبی نیز حاصل کرده‌اند.

در آفریقا تعاونیها با جهت دادن فعالیت‌های خود به سوی خدمات بهداشتی و آموزش بهداشت، تعلیم و تربیت، نگهداری کودکان، هم دوش دولت پیش رفته‌اند. فی المثل در سنگال، بورکینافاسو و مالی از طریق ایجاد تشکلهای تعاونی، اقدام به تأسیس درمانگاههای مراقبت‌های پزشکی و زنان و زایمان شده است و به این ترتیب نه فقط با ارائه خدمات اجتماعی و بهداشتی به افراد مملکت، با دولتهای خود همراهی نموده‌اند، بلکه تا جای ممکن، زمینه‌های اشتغال مناسبی برای نیروهای انسانی کشور در تخصصهای مختلف فراهم ساخته‌اند.

موضوع دیگری که در زمینه اشتغال و تعاونیها مطرح و مورد توجه است توجه به توسعه منابع انسانی به منظور ارتقاء کیفیت کار و افزایش کارآیی کارکنان در تعاونیهاست که خود نقش ارزنده در سازندگی و توسعه اقتصادی می‌تواند داشته باشد. در این مورد به ذکر دو نمونه از دو کشور اکتفا می‌شود. نمونه اول کشور اندونزی است که براساس برنامه پنجساله ششم این کشور سیاست کلی توسعه تعاونیها از طریق توسعه منابع نیروی انسانی و تشویق به ابتکار، لیاقت و مشارکت در نهضت تعاونی و کارآفرینان کوچک پایه ریزی شده است و نمونه دوم مربوط به کشور بنگلادش می‌باشد که برای تعاونیهای موفق سیاست‌های جدید امور کارکنان و برنامه‌های آموزشی مؤثر از عوامل مهم محسوب می‌شود و مشارکت فعالانه اعضا و بسیج زنان و جوانان نیز



کشورهای کم رشد و تلاش برای جبران عقب ماندگی با استفاده از شیوه‌های تعاونی

قسمت ۲

از: احد انگورانی

در نتیجه ضمن جلوگیری از توسعه ناموزون شهرهای بزرگ و از طریق انتقال امکانات و مزایای زندگی به روستاها، میزان تخلیه و تخریب مراکز جمعیتی کوچک و روستایی را کاهش داده است. حتی در برخی از کشورهای کم رشد از جمله کشورهای آمریکای جنوبی تعاونیها نقش بنیادی قابل توجهی را در توسعه و عمران روستاها دارند. بدینگونه که این تعاونیها با فراهم آوردن امکان اشتغال مناسب برای مردمان نقاط روستایی، علاوه بر تأمین و توزیع کالاهای مورد نیاز روستائیان و ارائه خدمات برای آنان در

حتی در کشورهای نسبتاً پیشرفته‌ای چون چین و هند که با اقتصادهای کشاورزی شمار زیادی از مردم، از جمله جوانان و زنان، در فعالیتهای مرتبط با بخش کشاورزی مشغول می‌باشند، تعاونیهای صنایع دستی ایجاد شده در این کشورها، فرصت اشتغال خوبی را برای عموم مردم به خصوص جمعیت زنان فراهم آورده است. تأثیر تعاونیها در این زمینه از این نظر قابل توجه است که ایجاد اشتغال در این کشورها خصوصاً در مناطق روستایی روند مهاجرت از روستاها را کند نموده و

در این زمینه دارای اهمیت است.

نقش تعاونیها در کاهش فقر و نابرابری اقتصادی

مبارزه با فقر از طریق توزیع عادلانه درآمد و کاهش فاصله بین اغنیاء و فقرا یکی دیگر از اهدافی است که تعاونیهای ایجاد شده در کشورهای کم رشد در جهت نیل به اهداف توسعه به آن توجه دارند. این اقدام در درجه نخست از طریق فراهم نمودن زمینه‌های اشتغال برای همگان، با مشارکت مردم و توسعه مؤسسات تعاونی در این کشورها در جریان است و تاکنون جدا از موفقیت‌هایی که در زمینه ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و توزیع عادلانه ثروت، از آن به دست آمده است، در کاهش بسیاری از مفاصل اجتماعی نیز مؤثر بوده است.

علاوه بر این تعاونیها با در اختیار قرار دادن امکانات و تسهیلات لازم برای اعضاء خود به برخوردار شدن آنان از مزایا و حاصل کار خویش کمک نموده‌اند و این امر سبب شده است تا از تکاثر ثروت در نزد گروههای خاص کاسته شود و شوق و انگیزه لازم برای کار و فعالیت بیشتر و بروز استعدادها و ابتکارات فراهم آید و تولید ملی افزایش پیدا کند و زمینه برای توسعه عدالت اجتماعی مساعد گردد. قبلاً به این مورد اشاره شد که یکی از علل عقب ماندگی کشورهای کم رشد، تسلط گروهی اقلیت ممتاز صاحب سرمایه بر اقتصاد ناتوان کشور است و این گروهها به صورت مختلف تولید کنندگان کم سرمایه را استثمار می‌نمایند و با دادن وام با بهره‌های سنگین و یا سلف خریدی محصولات با قیمت نازل، دائماً آنها را در فقر و بدهکاری نگه می‌دارند.

چنین مواردی در برخی از کشورها با

تشکیل تعاونیهای اعتبار که با شرایط سهل وام در اختیار تولیدکنندگان می‌گذارد تا نیازهای خود را مرتفع نمایند تا اندازه‌ای برطرف گردیده است. عدم تعادل بین افزایش تولیدات کشاورزی و رشد سریع جمعیت از موانع اساسی این کشورها است و علل متعددی سبب آن می‌شود تا کشاورزی نتواند نقش خود را در تغذیه جمعیت ایفا نماید. البته برخی از این عوامل را باید در مسائلی همچون محدودیت زمینهای قابل کشت، فقدان ابزار جدید، کمبود دانش فنی و نبودن امکانات زیربنایی لازم جستجو نمود. اما یک عامل مهم در محدودیت فعالیتهای کشاورزی قلت سرمایه گذاری در کشاورزی و رواج فراوان بدهکاری در نزد کشاورزان می‌باشد. دهقان به مساعده دهنده بذر، به دکاندار و سلف خر بدهکار است، بنابراین امکانات سرمایه گذاری برای وی مقدور نیست و در این میان گروههای معدودی نیز وجود دارند که بر اقتصاد ضعیف کشاورزان تسلط دارند و آنان را استثمار می‌نمایند و آنها عبارت از تجار به صورت



مختلف می‌باشند که از طریق سلف خری و یا دادن وام با بهره‌های سنگین و یا خرید محصولات به قیمت نازل و فروش آن به قیمت بالا سود سرشار می‌برند.

در تغییر یک چنین ساختاری برخی از کشورها توانسته‌اند از طریق تشکیل تعاونیهای کشاورزی در رفع مسائل مبتلا به کشاورزان موفقیت‌هایی را به دست آورند و افزایش تولیدات کشاورزی را سبب شوند و بدون اغراق اگر این تعاونیها در این کشورها شکل نمی‌گرفتند وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشاورزان بسیار بدتر از امروز بود. ولی اینک تعاونیهای تشکیل شده علاوه بر ارائه خدمات کشاورزی به تولیدکنندگان، در زمینه‌های نحوه استفاده صحیح از نهاده‌های کشاورزی و در اختیار گذاشتن دانش فنی، حمل و نقل، بازار رسانی و بازار یابی محصول، در جهت تأمین اعتبار برای کشاورزان نیز فعالند و نمونه این نوع فعالیت را در کشورهای برزیل، السالوادور، گواتمالا و دومینیکن می‌توان مشاهده نمود.

در کشورهای قاره آفریقا که بیشترین جلوه‌های زشت فقر را در میان مردم آن می‌توان دید با اقدامات انجام شده، از طریق جلب مشارکتهای مردمی و متشکل ساختن گروههای عمده کشاورزان کم سرمایه و فاقد امکانات در قالب تشکلهای تعاونی و در اختیار قرار دادن وام مورد نیاز به آنان از شدت و توسعه فقر کاسته شده است، به طوری که هم اینک تعاونیهای اعتبار در کشورهای کم رشد این قاره نقش عمده‌ای را در کاهش فقر و بدهکاریهای رایج در بین کشاورزان دارند و با جلب اعتماد مردم و ارائه خدمات مناسب به اعضاء روز به روز سرمایه آنها افزایش می‌یابد و به امکانات

پرداخت وام آنها افزوده می‌شود.

بسه عنوان مثال در شرق آفریقا تعاونیهای اعتبار از سالهای ۱۹۷۲ به بعد توانسته‌اند با پس انداز مبلغی بالغ بر دویست میلیون دلار، اعتبارات ضروری کشاورزان را تا حدودی تأمین نمایند. حتی در کشور بوركینافاسو که کشور کوچکی است، در همین ایام تعاونیهای اعتبار موفق به پس انداز بیش از یک میلیون و دویست هزار دلار شده‌اند. اقدام دیگری که در جهت کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمد توسط تعاونیها در کشورهای کم رشد صورت می‌گیرد فراهم نمودن امکان استفاده بیشتر از ابزارها و نهاده‌های کشاورزی برای کشاورزان است، این اقدام موجب افزایش میزان تولید محصولات کشاورزی شده و حتی امکان از ضایعات تولید و استفاده کم و غلط از امکانات جلوگیری کرده است. اقدام دیگر تعاونیها به موضوع بازاریابی و فروش محصولات تولیدی مربوط می‌گردد. قبلاً ملاحظه گردید که تجارت خارجی در کشورهای کم رشد اغلب در انحصار تجار صاحب سرمایه شهر نشین می‌باشد و باز به این مطلب اشاره شد که تعاونیهای بازاریابی در کشور ساحل عاج با فروش حدود نیمی از محصول قهوه و کاکائو به آمریکا چه مقدار ارز خارجی نصیب کشور نموده‌اند و این خود نه تنها کمک شایانی به اقتصاد ملی بوده است، بلکه در بهبود زندگی اقتصادی کشاورزان و روستائیان که بیشترین نشانه‌های فقر را دارا می‌باشند تأثیر داشته است.

در همین زمینه در کشورهای آسیایی مانند هند، پاکستان، سیلان و اندونزی نیز این قبیل اقدامات توسط تعاونیهای کشاورزی انجام می‌گیرد و تعاونیها خصوصاً در بازاریابی تولیدات

کشاورزی نقش فعالی را به عهده دارند و از این رهگذر منافع کشاورزان را تا جایی که ممکن است، تأمین می‌نمایند. مثلاً نوعی از همان اقدامی که در مورد صدور محصولات قهوه و کاکائو توسط تعاونیها بازاریابی کشور ساحل عاج صورت می‌گیرد در کشور آسیایی اندونزی به وسیله تعاونیهای کشاورزی به آن مبادرت می‌شود، این تعاونیها با بازاریابی و فروش فرآورده‌های کشاورزی مانند: نارگیل، صمغ، فلفل و چای در مقیاس گسترده، درآمد قابل توجهی را نصیب کشاورزان کم درآمد می‌نمایند.

در سریلانکا طرحی در سال ۱۹۹۱ توسط بخش تعاونی و با نظارت اداره توسعه تعاونی بنام طرح فرآوری برنج برای حفظ منافع گروههای کم درآمد و افراد بیکار و افراد ذینفع در برنامه کاهش فقر آغاز گردیده است که با اجرای آن تنها در طی یکساله اول، با فرآوری بیش از پنج میلیون کیلوگرم برنج مبلغی در حدود ۷۶ میلیون روپیه درآمد حاصل شده که آن را بین اعضاء ذینفع توزیع نموده‌اند و در صورتی که چنین طرحی اجرا نمی‌گردید تمامی این مبلغ به جیب کارخانه داران سرزیر می‌گشت، اما اجرای این طرح ضمن کمک به افزایش درآمد بخش‌های عمده‌ای از جمعیت، به رشد اقتصادی کشور نیز یاری رسانیده و با ایجاد اشتغال و توزیع درآمد از توسعه بیشتر فقر جلوگیری به عمل آورده است.

با ارائه این نمونه‌ها از آنجا که مجموعه این قبیل اقدامات توسط تعاونیها در جهت فقرزدایی امکان آنرا به وجود آورده است تا مردمان ممالک فقیر اغلب از زندگی نسبتاً قابل قبولی برخوردار گردند و در آمد مناسبی داشته باشند و بالاتر از همه این که

قادر به پس انداز شوند و به طور منظم پس انداز کنند و منبع مالی قابل توجهی را در تعاونیها ایجاد نمایند تا در مواقع مورد لزوم از این پس اندازها برای سرمایه گذاری در جهت توسعه فعالیت و افزایش درآمد خود استفاده به عمل آورند، لذا برنامه مبارزه با فقر و ریشه کن کردن آن از طریق تعاونیها، مورد پشتیبانی و حمایت اغلب دولتها قرار گرفته است. از جمله آن که در اندونزی بر اساس برنامه پنج ساله ششم ۱۹۹۴ - ۱۹۹۹ توسعه تعاونیها مورد نظر می‌باشد و هدف این است که تعاونیها با تبدیل شدن به قطبهای اقتصادی، ظرفیت رفاه اقتصادی اعضای خود را افزایش دهند و یا در بنگلادش که یک کشور پر جمعیت و فقیر می‌باشد پروژه‌های کاهش فقر توسط تعاونیها و گروههای غیر رسمی اجرا می‌شود و تمام این تلاشها برای دستیابی قریب الوقوع به امر خود کفایی نسبی در زمینه مواد غذایی، فراهم کردن فعالیتهای درآمد زا برای مردم فقیر و روستائیان و بالا بردن فرصتهای شغلی و درآمد عمومی نتیجه بخش بوده است.

تعاونیها با اجرای این طرح توانسته‌اند تا حد امکان درآمد خانوارها را به نحو رضایت بخشی افزایش دهند و با این اقدام مشمولین این طرح با پذیرفتن معیارهای یک خانواده کوچک، امکان آن را یافته‌اند تا کودکان خود را به مدارس ابتدایی بفرستند. تغذیه خود و خانواده‌شان را بهبود بخشند و بهداشت و سلامت فردی و اجتماعی را ارتقاء دهند و بدین طریق راههای گسترش فقر را مسدود نمایند و زمینه را برای توسعه اقتصادی و جبران عقب ماندگی مساعد سازند.

منابع:

۱- سومین کنفرانس ویران تعاون در منطقه آسیا و

اقیانوسیه کلسو ۱۹۹۴، ناشر وزارت تعاون

تلفیق برنامه‌های محو فقر شهری و

برنامه‌های بخش غیر رسمی

برنامه‌های محو فقر شهری نیاز به توجه بیشتر به مشکلات کارکنان بخش غیر رسمی و از جمله امکان استفاده از خدمات اولیه، توسعه مهارت‌ها و فرصت‌های درآمدزایی دارد.

ایجاد شبکه و سهیم شدن در اطلاعات

ایجاد شبکه‌های ارتباطی و تقسیم اطلاعات در بین کشورهای منطقه فرصتی است برای تجربه اندوزی و اطمینان از این که در صورت نیاز می‌توان تلاش‌ها را یک کاسه کرد.

منابع (مؤسسات و افراد) جامعه برطرف می‌سازد. اما چنانچه شرایط مهیا باشد برای کسب منافع بیشتر و مشارکت در فعالیتهای جمعی با دیگر هم‌اندیشان و کسانی که با وی نیاز مشابه دارند، یک گروه را تشکیل می‌دهد. از این رو به تشکیل و راه‌اندازی یک تشکّل تعاونی اقدام می‌ورزد. پس سازمان تعاونی آغازی است برای زندگی اجتماعی، به عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی و برقراری روابط عمیق با افراد جامعه، بنابراین شرکت‌های تعاونی انسان را از فردگرایی به سوی زندگی اجتماعی سوق می‌دهند و در واقع پایگاه‌هایی برای زندگی و فعالیت جمعی محسوب می‌شوند.

نظام‌های سیاسی - مردمی در جهان امروز بدین منظور از شرکت‌های تعاونی و فعالیتهای تعاونی گونه به مثابه پایگاهی برای تقویت و گسترش جامعه‌گرایی حمایت نموده و موجبات توسعه آن‌ها را فراهم می‌سازند که ارمغان این هدایت، تشویق مردم به زندگی تعاونی است.

بقیه از صفحه ۱۰

امروزی است. هر انسانی برای رفع نیازهای خویش، ابتدا به تلاش فردی و شخصی می‌پردازد، آنگاه در صورت عدم موفقیت و یا عدم رضایتمندی به جامعه متوسل می‌شود. یعنی نیازهای خود را از

بخش غیررسمی ایفا می‌کنند. این نقش به ویژه در زمینه بالا بردن میزان آگاهی از شرایط کار و حمایت اجتماعی پررنگتر است. سازمان‌های کارفرمایی نیز پیوند بین بخش‌های رسمی و غیر رسمی را محکمتر می‌کنند. این گونه سازمان‌ها همچنین در توسعه کارآفرینی دست دارند.

نقش دولت‌های محلی

کارگزاران و دولتمردان با شناخت بهتر از مشکلات موجود در بخش غیر رسمی و نیاز به یک پژوهش مشترک برای یافتن راه‌ها، نقش یک کاتالیزور را دارند. سازمان‌های بین‌المللی کار نیز در حال گسترش هرچه بیشتر آموزش برنامه‌های حمایتی برای بخش غیر رسمی هستند که اختصاصاً برای دولتمردان در نظر گرفته شده است.

بقیه از صفحه ۵

از مجموع آن چه گذشت می‌توان نتیجه گرفت: دموکراسی اقتصادی تنها زمانی به وجود می‌آید که اکثریت یا تعداد زیادی از افراد جامعه، نقش قاطعی در تمام امور و وظایف و شئون فعالیتهای اقتصادی بر عهده گیرند.

برای آن که همه کارها آن طور که می‌خواهیم انجام گیرد و یک نظام اجتماعی جدید در قالب تعاونی‌ها به وجود آید، باید این وظایف را خودمان انجام دهیم، باید بانگذار خودمان باشیم، باید خانه‌هایمان را خودمان بسازیم، باید خود به تولید و فروش کالاهایمان اقدام کنیم و این کارها را در مقام مصرف کننده هم انجام دهیم. بدین نحو مطمئن شویم که تولید برای مصرف صورت می‌گیرد، نه برای تحصیل سود و به این ترتیب، رفع نیازمندی‌های واقعی اکثریت مردم، جانشین نفع‌طلبی اقلیت و قوه محرکه اقتصاد خواهد بود.

نباید به میزان کم و در رشته‌های متعدد، متفرق شود. این مطلب بدان معنی است که در محیط متغیر اقتصادی، ضروریات و مقتضیات آنی بازرگانی باید راهنمای ما باشد و نه هدف‌های اقتصادی بلند مدت. به همین جهت توسعه بیش از اندازه تعاونی‌ها در رشته‌هایی که پیامد آن قابل سنجش نیست، ممکن است منطقی نباشد.

از طرف دیگر، یک اتحادیه تعاونی که با مبانی محکم استقرار یافته است و سرمایه کافی برای توسعه در اختیار دارد، می‌تواند خود را به مرحله‌ای بالاتر از ضروریات محل برساند و فعالیت خود را در رشته‌هایی توسعه دهد که در آینده به نفع مصرف کنندگان باشد.